

## کردستان در آغاز سده چهاردهم

شده و همین تعداد محدود را هم باید غنیمت شمرد، اما این حجم در مقابل انبوهی از اسناد منتشر نشده که در آرشیوهای دولتی و خصوصی موجود است، بی‌مقدار و ناچیز به چشم می‌آید. رویکرد برخی مؤسسات پژوهشی و انتشاراتی به مناطق غرب کشور در دو سه سال گذشته، چشم‌انداز مناسب‌تری نسبت به قبل ترسیم کرد. بی‌گمان وقایعی که در این قطعه از سرزمین ایران اتفاق افتاده، بی‌ارتباط با دیگر نواحی کشور مانده نبوده و روشن کردن نقاط تاریک تاریخ این منطقه کمکی به پژوهش‌های تاریخی و تحلیلی است. از طرف دیگر، این امر سبب ترغیب اساتید و دانشجویان رشته‌ی تاریخ به مطالعات و پژوهش‌های مؤثرتری نسبت به گذشته در این حوزه از مطالعات تاریخی می‌شود. در این مجال، کتابی که در سطور بعد به معرفی و بررسی آن خواهیم پرداخت، از مجموعه منابع ارزشمند در رابطه با تاریخ کرمانشاهان و کردستان به شمار می‌آید که نخستین بار در بهار ۱۳۸۷ به زیور چاپ آراسته شد.

«عملیات اورامان» عنوان کتابی است از حاج علی رزم‌آرا، که در اصل مجموعه یادداشت‌ها و گزارش‌هایی است در ۱۸۴ برگ به قطع رحلی از نایب سرهنگ حاج علی رزم‌آرا، نظامی صاحب‌نام ایرانی در توصیف بخشی از لشکرکشی ارتش به منطقه اورامان<sup>۱</sup> در پاییز و زمستان ۱۳۰۱ خ. این اثر دارای یک مقدمه، هفت فصل و فهرست اعلام، تصاویر و نقشه‌هاست.

در مقدمه‌ای که به قلم کاوه بیات در ابتدای کتاب آمده، پس از شرح کوتاهی از مشخصات ظاهری کتاب، که به قلم حاج علی رزم‌آرا نگاشته شده و عملیات اورامان نام گرفته است، شمایی کلی از وضعیت کردستان به‌ویژه در سال‌های پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ ارائه شده است.

بیات در آغاز مقدمه، با بررسی روند شکل‌گیری ارتش نوین در ایران پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ بیان می‌دارد: «درحالی که بخش اصلی توجه و توان ارتش نوپای ایران برای حل و فصل مسائلی چون شورش اسماعیل آقا سمکو<sup>۲</sup> در آذربایجان غربی و سرکشی جمعی از عشایر لرستان قرار داشت، کردستان و کرمانشاه به‌رغم هم‌جواری با این دو حوزه پرتلاطم و برخوردار از یک زمینه مستعد عشایری با آشوب و



- عملیات اورامان، پاییز و زمستان ۱۳۱۰ شمسی (نایب سرهنگ حاجعلی رزم‌آرا)
- به کوشش کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات
- پردیس دانش و شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب، بهار ۱۳۸۷، چاپ اول، ۲۴۷ صفحه

### اشاره

اغلب محققان و پژوهشگران تاریخ معاصر به این مهم اذعان دارند که پژوهش‌های تاریخی صفحات غرب کشور، به‌ویژه ناحیه‌ای که امروزه شامل استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، کردستان و کرمانشاه می‌شود، در محدوده‌ی زمانی تاریخ معاصر مهجور مانده است. بسیاری از مسائل و حوادث مهم و سرنوشت‌سازی که به‌ویژه با دخالت بیگانگان در مناطق مذکور شکل گرفته و هدایت شده است، تاکنون پوشیده مانده و ابعاد مختلف آن برای علاقمندان و محققان این حوزه مشخص نشده است. هرچند اخیراً اسنادی از نواحی مختلف غرب کشور منتشر



ناآرامی حادی روبه‌رو نبودند.<sup>۳</sup> او در ادامه، به این مهم اشاره می‌کند که برخلاف اتفاقات و بحران‌هایی که در آذربایجان و لرستان به وقوع پیوست، دولت مرکزی با چندان دشواری در کردستان و کرمانشاه مواجه نبود. هرچند برخی تحریکات ایل کلهر و سنجابی وجود داشت اما چندان خطرناک نبود.

وی در فراز دیگری از مقدمه اشاره دارد به دخالت‌های خارجی و به‌ویژه سیاست‌های تفرقه‌افکن و مزورانه‌ی انگلستان در کردستان ایران و عراق که همانا در جهت حصول منافع خویش و تضعیف بیش‌ازپیش موقعیت امپراتوری عثمانی در منطقه گام برمی‌داشت و در راستای این سیاست بود که تجزیه‌ی متصرفات و مناطق تحت‌نفوذ عثمانی را از اولویت‌های امور خود قرار داده بود. وی با اشاره به جریان «شیخ محمود برزنجی»<sup>۴</sup> و دیگر تحریکات انگلستان در مناطق کردنشین، ریشه‌ی بسیاری از مشکلات کنونی کردستان را نیز، سیاست‌های تفرقه‌افکنانه انگلیس می‌داند.

کتاب، درحقیقت مربوط به لشکرکشی ارتش به منطقه‌ی اورامان در غرب استان کرمانشاهان جهت سرکوب رؤسا و ایل متمدن اورامان در پاییز و زمستان ۱۳۱۰ خورشیدی و روایتی است از سرکوب جعفر سلطان. «این لشکرکشی که آن را می‌توان آخرین عملیات عمده از رشته لشکرکشی‌های گسترده دانست که از بدو تأسیس قشون متحدالشکل ایران در سال ۱۳۰۰ بر ضد قدرت‌های عشایری محلی آغاز شد، عملیاتی بود که بر یک دوره‌ی چند ساله از فرمانروایی

سلاطین اورامان<sup>۵</sup> - خاندان حاکم محلی - پایان داد»<sup>۶</sup>.

«عملیات اورامان»، که در پاییز و زمستان ۱۳۱۰ خورشیدی به وقوع پیوست، در مراحل نخست با ضعف کلی قوای دولتی همراه بود؛ ولی در ادامه، به‌مدد درایت و برنامه‌ریزی‌های درست و حساب‌شده‌ی نایب‌سرهنگ حاج علی رزم‌آرا به پیروزی قوای دولتی منتهی شد.

با شکل‌گیری ارتش نوین، در سال ۱۳۰۰ خورشیدی که از ادغام نیروهای قزاق و ژاندارم شکل گرفت، تبلیغات گسترده‌ای در مورد توانمندی‌های ارتش جدید صورت گرفت. عملیات اورامان، که درست ده سال پس از این مهم صورت می‌گرفت، می‌توانست محکی باشد برای ارتش نوپا که در نبردهای کوهستانی و در برابر دشمنان چگونگی عمل می‌کند. به اذعان حاج علی رزم‌آرا، در تمام مراحل عملیات اورامان، ضعف مفرطی از سوی قوای دولتی به چشم می‌خورد. هرچند این مسأله موضوع جدیدی نیست و وقایع سال‌های بعد و به‌ویژه شهریور ۱۳۲۰ نشان داد، این ارتش از کارایی لازم برخوردار نبود.

به گواه اسناد ارائه‌شده در «عملیات اورامان»، تکیه‌گاه رضاشاه در ارتش، برخی افسران هم‌دوره‌ی خود او بودند که درایت لازم و آگاهی از فنون نظامی زمان خود نداشتند. این امر سبب شده بود که برخی شیوه‌های ناصحیح در نبرد با عشایر و متمردان، هزینه‌های دوچندان مالی و جانی را برای کشور به ارمغان آورد. «سپردن کار [عملیات] اورامان به سرتیپ علی‌شاه رحیمی و نابسامانی‌های حاصله را که بخش مهمی از اسناد و گزارش‌های عملیات اورامان نیز به توضیح آن

## در بین تلگرافات آورده شده در پایان بخش دوم، شرحی از محاربات نخستین قشون دولتی با نیروهای کرد اورامان و همچنین مراحل مختلف عملیات مقدماتی آمده است

رزم‌آرا در ابتدای این بخش اشاره‌ای دارد به اقدامات سر تیپ علی خان رحیمی که در آن زمان فرماندهی تیپ کردستان را برعهده داشت و با طرح انتقاداتی از شیوه‌ی عملکرد وی، به‌ویژه دست‌کم گرفتن نیروهای کرد محلی، پیشنهاد کرده است که نیروهای دولتی برای اعزام به منطقه افزایش یابند. در بین تلگرافات آورده شده در پایان بخش دوم، شرحی از محاربات نخستین قشون دولتی با نیروهای کرد اورامان و همچنین مراحل مختلف عملیات مقدماتی آمده است.

فصل سوم کتاب زیر عنوان «تجدید سازمان» خود گواهی است بر ضعف نیروهای دولتی در مراحل اولیه‌ی عملیات اورامان. آن‌جا که رزم‌آرا نیز به آن اعتراف دارد و می‌گوید متأسفانه در این منطقه [اورامان] به‌واسطه‌ی ارتباط و یگانگی و اتحاد مذهبی کمتر ممکن بود که حتی یک کلمه از اهالی نشر کرده یا کوچک‌ترین مطلبی از وضعیت اشرا را اطلاع دهند.<sup>۹</sup> این موضوع نشان از سختی کار برای نیروهای ارتش بود. رزم‌آرا در این فراز از کتاب به یک اصل مهم در هر عملیات اشاره کرده و آن نیاز اطلاعات از دشمن است. آن‌چه بین نظامیان ضرب‌المثل شده اول کسب اطلاعات است سپس عملیات. این نقصان سبب شده بود که در مراحل اولیه، نتیجه‌ی عملیات اورامان در حاله‌ای از ابهام قرار گیرد؛ زیرا اطلاع از موقعیت و تعداد نیروهای مقابل غیرممکن بود.

در ادامه، گزارش‌ها و مکاتبات دیگری از اقدامات صورت‌پذیرفته در این مرحله از عملیات اورامان ارائه شده است. نبرد در منطقه‌ی «شمشیر» پایه، مهم‌ترین موضوع این بخش است که شرحی از درگیری‌های قوای دولتی و نیروهای کرد در آن آمده است. «مراسلات تیپ کردستان» مهم‌ترین اسناد ارائه شده در این بخش را شکل داده است.

فصل چهارم کتاب، «تزلزل ستون» نام گرفته و از همان آغاز ناگفته پیداست که نیروهای دولتی تا این مرحله از عملیات توفیق چندانی نداشته‌اند. رزم‌آرا، در آغاز این فصل، در جمله‌ای ناقص می‌نویسد: «عدم مراقبت صاحب‌منصب و سرسری اجرا کردن وظایف»<sup>۱۰</sup> که به نظر می‌رسد این جمله را ویژگی کلی این مرحله از عملیات اورامان دانسته است. گزارش‌های این بخش، که به سبک نگارشی خاص نویسنده و توأم با مراسلات و تلگراف‌های نظامی است، همه نشان از ضعف قوای دولتی در نبرد با کردهای سرکش محلی و نیز انسجام نداشتن و ناهماهنگی بین خطوط جنگی قوای دولتی است. سرمای شدید آذر ۱۳۱۰ سبب شد که نیروهای ارتشی در پایه زمین گیر شوند و ادامه عملیات به‌کندی پیش رود.<sup>۱۱</sup> علاوه بر مشکلات فوق، نداشتن پوتین<sup>۱۲</sup> و چادر نیز بر مشکلات افزوده بود و حتی برخی از افراد گردان

اختصاص دارد، در این چارچوب می‌توان مورد ارزیابی قرار داد.<sup>۷</sup> کتاب «عملیات اورامان» را باید در زمره آثار کلاسیک تاریخ‌نگاری نظامی کشورمان به‌شمار آورد، زیرا علاوه بر این که به‌اذعان کاوه بیات، یک سند نظامی به‌شمار می‌رود،<sup>۸</sup> رزم‌آرا، در این کتاب، طی گزارش‌ها و یادداشت‌هایی، شرح کاملی از مراحل عملیات را بازسازی و فنون نظامی و نبردهای کوهستانی را بیان کرده است؛ نیز نقد و ارزیابی‌ای در پایان کتاب در مورد نقاط ضعف و قوت نیروهای درگیر در عملیات اورامان ارائه داده است. این یادداشت شرحی از وضعیت و حال درونی ارتش آن دوره به دست می‌دهد و اشاره می‌کند که یکی از شاخص‌های ارتش در این عملیات، استفاده از نیروی هوایی بوده است. نکته‌ی دیگر، این که وقایع اتفاقیه در اقصی نقاط کشور بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ خورشیدی بسیار پراکنده و متنوع و اطلاعات ما از آن‌ها بسیار اندک است. عملیات اورامان را می‌توان از این دست دانست و این موضوع بر ارزش کتاب می‌افزاید. همچنین با توجه به موقعیت نظامی نویسنده‌ی کتاب - حاج علی رزم‌آرا - و اشراف به امور نظامی و جغرافیایی، نوشته‌های وی سندیت دارد و یک منبع قابل‌اتکا به‌شمار می‌رود. شیوه‌ی نگارش کتاب نیز جالب توجه و به گزارش‌نویسی یک واقعه‌ی نظامی بیشتر شبیه است و شاید با خاطره‌نویسی هم بیگانه نباشد. رزم‌آرا در نوشتن این کتاب، بر اسناد و مکاتبات بسیار تکیه دارد.

فصل نخست کتاب «اورامان» نام دارد که به شرایط جغرافیایی، مساحت، کوه‌ها، رودخانه‌ها، آبشارها، اهالی و نفوس، اخلاق و عادات، مذهب، جغرافیای اقتصادی، احشام و اغنام و شغل عموم اهالی منطقه‌ی اورامان پرداخته است. وجه تسمیه و تاریخ اورامان در بخش بعدی فصل اول کتاب مورد توجه قرار گرفته است. شرحی از حاکمان گذشته‌ی اورامان تا زمان نویسنده‌ی کتاب، که در رأس آن‌ها خانواده‌ی جعفرسلطان حاکم وقت اورامان در پی آمده است. در ادامه نگارنده از محمد سعید رئیس طایفه و منطقه‌ی اورامان یاد کرده است و از او به‌عنوان حکمرانی که از اطاعت و اوامر حکومت سرپیچی نموده، نام برده است. پس از او به جعفرسلطان پسر و جانشین محمد سعید و نبردهای وی با دولت عثمانی اشاره شده است. این بخش کتاب، در واقع نگاهی گذرا دارد به سابقه‌ی خانوادگی و اقدامات جعفرسلطان، حکمران اورامانات، تا قبل از عملیات سال ۱۳۱۰ خورشیدی. در ادامه، گزارشی از اقدامات ارتش که تا دی ۱۳۰۹ جهت سرکوبی و دفع تحریکات جعفرسلطان اتخاذ شده بود، ارائه می‌دهد. فصل دوم کتاب «نبرد قوری قلعه» را مورد توجه قرار داده است.



در سرما یخ زدند.

فصل پنجم زیر عنوان «پایان کار» در حقیقت گزارش روزهای پایانی «عملیات اورامان» است. در این فصل، رزم‌آرا با درج برخی مراسلات و گزارش‌های جنگی سعی دارد مراحل پایانی عملیات را به گونه‌ای مستند روایت کند. نوزدهم آذر ۱۳۱۰ را می‌توان آغاز نبرد نهایی قوای دولتی با کردهای منطقه‌ی اورامان و تحت امر جعفر سلطان به شمار آورد. در این بخش چگونگی نبردهای پایانی و همچنین خلع سلاح کردهای منطقه‌ی اورامان به همراه مکتوبات و اسناد نظامی مربوط آمده است. از بین اسناد مذکور اعلامیه‌ای منتشر شده که بیش از همه جلب توجه می‌کند. این سند نظامی اخطاری است از سوی قوای دولتی خطاب به ساکنان محلی حامی جعفر سلطان حمایت و مضمون آن بدین شرح است:

#### «اعلامیه

نمره ۷۷۴۲-۲۲ آذر ۱۰ [۱۳]

به کلیه‌ی اهالی و ساکنین باوه، خانقاه و قراء اطراف خاطر نشان می‌شود که هر قدم کوچک یا فکر مخالف در مقابل قشون نیرومند تعقیب و مورد سیاست واقع خواهد شد. تا به حال در تحت فشار اشرار مجبور به اقداماتی بوده‌اید در آتیه اگر چنانچه

۱- هرکسی از اهالی کم‌ترین و کوچک‌ترین خبر و اطلاعی از قوای نظامی یا گزارشات آن به قوای اشرار بدهد محکوم به اعدام خواهد شد.

۲- ارتباط به طرف سیروان، رشه و نجار به کلی قدغن و کسی حق عبور به آن نقاط را نخواهد داشت مگر با اجازه کتبی مخصوص. در غیر این صورت اشخاص جلب و سیاست شدید خواهند شد.

۳- هرکسی در مقابل قوای نظامی اسلحه استعمال و ایستادگی نماید محکوم به اعدام خواهد شد. با در نظر گرفتن مطالب لازمه بی‌اندازه دقت کرده تسامح ننمایید، چه شما رعایای دولت و اوامر دولت را بایستی از جان اطاعت نمایید.

فرمانده قوای اعزامی نایب سرهنگ رزم‌آرا. «۱۳»  
صدور این اعلامیه، نشان می‌دهد که «عملیات اورامان» با موفقیت همراه بوده است و اکنون می‌بایست به تعقیب متواریان پردازند که بخشی از آن‌ها به خاک عراق رفته و هنوز عده‌ای از آنان در داخل مرزها بودند.

رزم‌آرا، در ادامه، با درج برخی نامه‌ها و مکتوبات ردوبدل شده بین جعفر سلطان و نزدیکانش، نشانه‌های ندامت و ضعف آنان را به تصویر کشیده است. هم‌چنین، شرحی از اقدامات قوای دولتی برای دستگیری جعفر سلطان و نیروهای مسلح تحت امر وی آمده است که پیداست، این تلاش‌ها که البته از طریق حکومت طویله عراق نیز پی‌گیری شده، بی‌نتیجه مانده است. در پایان این بخش از کتاب، رزم‌آرا می‌نویسد: «بدین طریق، عملیات اورامان در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۱۰ خاتمه یافت و وضعیت امور اورامان داخل در یک صورت‌بندی دیگری گردید که می‌توان مرحله‌ی جلب فراریان و متواریان و خلع سلاح اورامان نام

## اصلی‌ترین عامل ناکارآمدی نیروی هوایی نداشتن انسجام و هماهنگی در خطوط نبرد و نیروی عمل‌کننده بوده است

کاستی‌های عملیات مذکور را از ابعاد مختلف نظامی نقد و بررسی کند. به‌زعم او، اصلی‌ترین عامل ناکارآمدی نیروی هوایی نداشتن انسجام و هماهنگی در خطوط نبرد و نیروی عمل‌کننده بوده است. نویسنده این بخش را با این جمله به پایان رسانده است: «به‌طور کلی قشون ایران بایستی ورزیده گردیده و تجربه بیشتری حاصل نماید.»<sup>۱۸</sup>

«احکام عملیاتی» عنوان فصل هفتم کتاب است که بخش پایانی اثر نیز هست. در این فراز از کتاب، بیست‌وشش حکم و سند عملیاتی - نظامی که در مراحل مختلف عملیات اورامان صادر شده‌اند، آورده شده است. نخستین حکم به ۲۸ آبان ۱۳۱۰ و واپسین حکم به ۱۳ دی ۱۳۱۰ تعلق دارد. این احکام اسناد نظامی ذی‌قیمتی هستند که از مراحل مختلف عملیات اورامان روایت می‌کنند و تاکنون منتشر نشده‌اند. در پایان کتاب، فهرست اعلام به همراه چند نقشه از منطقه‌ی عملیات اورامان ضمیمه شده است.

### سخن آخر

کتاب «عملیات اورامان» را می‌توان از منابع دسته اول در رابطه با دوره‌ی تاریخی‌ای که به آن می‌پردازد، یعنی پاییز و زمستان ۱۳۱۰، هم‌چنین درباره‌ی مکانی که واقعه در آن رخ داده بود، یعنی قسمتی از استان کرمانشاهان کنونی دانست. اما ایراداتی نیز بر کتاب وارد است. از جمله این‌که، غلط‌های املائی فراوان در متن کتاب دیده می‌شود، ضمیمه‌های کتاب، یعنی فهرست اعلام و تصاویر از فصل‌بندی آن مجزا نشده است و عناوین این قسمت، در دنباله‌ی فصل هفتم (احکام عملیاتی) آمده است. شیوه‌ی نگارش کتاب، به دلیل ناآشنایی رزم‌آرا با روش‌های علمی، ابتدایی است و این امر به دلیل نظامی بودن او و نیز سبک غالب آن دوره‌ی زمانی قابل چشم‌پوشی است، اما برخی فرازهای کتاب از انسجام و هماهنگی لازم برخوردار نیستند. کاوه‌ی بیات در مقدمه، سعی داشته است به برخی از زمینه‌ها و حاشیه‌های موضوع اصلی کتاب بپردازد؛ اما متن کتاب بیشتر شامل اسناد عملیات است تا روایت سیستماتیک آن. رزم‌آرا به دلیل آشنایی با علوم نظامی و جغرافیایی، توانسته است برخی از کاستی‌ها را جبران کند. هرچند اوج کار نویسنده، در فصل ششم «نقد و ارزیابی» است، که به تحلیل و بررسی نقاط ضعف و قوت «عملیات اورامان» پرداخته است؛ اما مطلب این بخش نیز به‌طور یک‌دست ارائه نشده است. نویسنده می‌توانست با دسته‌بندی مناسب، تحلیل‌ها و اطلاعات ارائه‌شده، انسجام موضوعی بهتری به کتاب بدهد. به‌طور کلی با توجه به صداقت نویسنده در درج مطالب و حتی برخی صراحت لهجه‌ها، نوشتار او قابل تأمل است.

نهاد.<sup>۱۴</sup>

فصل ششم زیر عنوان «نقد و ارزیابی» آمده است که در آن رزم‌آرا نقاط قوت و ضعف قوای دولتی را دسته‌بندی و ارزیابی کرده است. او چهار دلیل عمده از ضعف‌های بزرگ و مهم عملیات اورامان را برشمرده است که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- نبود اطلاعات کافی برای مراحل عملیات در کردستان ۲- تصمیمات اتخاذشده پیش از عملیات عجولانه و غیرمنطقی بوده است. ۳- نبودن فرماندهان کافی ۴- حمله به نوسود<sup>۱۵</sup> که منطقه‌ای مرتفع بود در نتیجه کار را بر نیروهای ارتش تنگ نمود، اشتباهی بزرگ بود.<sup>۱۶</sup>

از طرف دیگر، رزم‌آرا به بررسی علل و زمینه‌های شکست جعفر سلطان، رهبر کردهای شورشی پرداخته است. او پس از برشمردن امتیازات کردها در مبارزه با قوای دولتی، به ذکر دو نکته‌ی اساسی که به شکست کردهای اورامان انجامید، پرداخته است:

«۱- اعزام پی‌درپی قوا که مثل برق از تهران حرکت داده شد و لاینقطع اتومبیل‌ها وارد کرمانشاهان شده جاسوس‌های اشرار ورود قوای جدید را به آن‌ها راپورت می‌دادند، به طوری که به جعفرسلطان راپورت داده بودند چهارده هزار قشون وارد شده است و...»

۲- [نکته‌ی دیگر] سرکشی و جواب نمودن اهالی بود و... منظور آن است که اهالی تمام مطیع منقاد بودند، ولی پس از آن که از قدرت دولت مطلع شده و روز ناامیدی برای خود تصور نمودند، فوری ارتباط حاصل، اظهار اطاعت نموده و به سایر نقاط اطراف مرسله صادر نموده [و] آن‌ها را به مراسم دولت امیدوار و به تمام قول دادم که نسبت به شما کاری نخواهد شد و...»<sup>۱۷</sup>

علت دیگر در توفیق ارتش در برابر کردها، درایت شخص رزم‌آرا بود. همان‌طور که از مطالب بالا مشهود است، به نظر می‌رسد رزم‌آرا علاوه بر جنگ فیزیکی، که در منطقه‌ی اورامان درگیر آن بود، جبهه‌ای دیگر نیز برای کردها گشوده بود که همانا ایجاد جنگ روانی بود. او با درک صحیح شرایط و شعور بالای نظامی خود در تضعیف روحیه حریف مقابل برآمد و بی‌شک این عامل، همان‌گونه که خود او نیز اذعان دارد، مؤثرترین حربه‌ی وی در «عملیات پاره» بوده است. علاوه بر این‌ها، مدیریت صحیح جنگ و نبردهای کوهستانی و آشنایی وی به علوم جغرافیا و مهندسی نظامی که نقش فراوانی در پیروزی بر کردها ایفا کرد.

در ادامه‌ی این بخش از کتاب، نویسنده به وضعیت صاحب‌منصبان، سپاه، صنف پیاده‌نظام، سواره‌نظام، هوایمایی و تدارکات عملیات اورامان اشاره می‌کند. او سعی کرده است یک‌به‌یک نقاط ضعف و

## رزم‌آرا نقاط قوت و ضعف قوای دولتی را دسته‌بندی و ارزیابی کرده است. او چهار دلیل عمده از ضعف‌های بزرگ و مهم عملیات اورامان را برشمرده است

۳- رزم‌آرا، حاج‌علی؛ عملیات اورامان؛ به کوشش کامبیز رزم‌آرا و کاوه بیات (تهران: پردیس دانش و نشر پژوهش شیرازه، ۱۳۸۷)، ص ۵۰.

۴- طی توافقی که در سال ۱۹۱۸ م. برای تحت قیمومیت گرفتن عراق بین انگلیسی‌ها با سایر قدرت‌ها شد، برای اداره‌ی مناطق کردنشین شمال عراق شیخ محمود حیدزاده برزنجی را به عنوان حکمران کردستان برگزیدند. او یکی از رهبران بانفوذ شیوخ منطقه‌ی کردستان بود که از احترام خاصی در بین آن‌ها برخوردار بود. شیخ محمود از آن‌جا که در حسرت رسیدن به کردستانی مستقل بود، از فرصت استفاده کرد و پس از چند ماه استقلال کردستان را اعلام کرد. اما در همان ابتدای کار شیخ محمود برزنجی، انگلیسی‌ها سریع مداخله کردند و درگیری‌های زیادی بین نیروی کرد و انگلیسی روی داد. در نتیجه، در یکی از جنگ‌ها به نام بازیان (۱۷ ژوئن ۱۹۱۹) شیخ شکست خورد و دستگیر و زندانی شد. انگلیسی‌ها وی را به اعدام محکوم کردند؛ اما با توجه به شناخت کامل و کافی از وضعیت موجود، برای اجرای نقشه‌های خود، از اعدام او خودداری کردند و او را به هندوستان تبعید نمودند. (رک: محمودی (کلهر)، آیت؛ سیری در تاریخ کرد و کردهای قم؛ تهران: پرسمان، ۱۳۸۲)، ص ۱۰۲ و ۱۰۳.

۵- لازم به توضیح است که از دوره‌ی صفویه، در زمانی که سلاطین عثمانی امرای خود را «پاشا» می‌نامیدند، شاهان صفوی نیز حکام مرزی غرب کشور را «سلطان» می‌نامیدند.

۶- رزم‌آرا، همان؛ ص هفت

۷- همان؛ ص بیست‌وهشت

۸- همان؛ ص هفت و بیست‌وهشت

۹- همان؛ ص ۵۱

۱۰- همان؛ ص ۷۶

۱۲- همان؛ ص ۹۱

۱۳- اصل: بوطن

۱۵- همان؛ ص ۱۰۲

۱۶- همان؛ ص ۱۱۶

۱۷- نوسود یا نوسود در منتهی‌الیه خاک اورامان، از شمال و شرق به مریوان و استان کردستان و از جنوب به حومه‌ی پاره و از مغرب به خاک عراق محدود است. نوسود منطقه‌ای صعب‌العبور است که سراسر آن را باغ فراگرفته است و حکام اورامان ایام زمستان را در این محل می‌گذراندند. نوسود مقر حکمرانی سلاطین لپهون بوده است. (تلخیصی از: محمد علی سلطانی، همان؛ ص ۵۳ و ۵۴)

۱۸- همان؛ ص ۱۱۷ و ۱۱۸

۱۹- همان؛ ص ۱۲۰

۲۰- همان؛ ص ۱۵۱

۲۱- همان؛ ص ۱۵۱

به‌ویژه آن‌جا که در برداشت کلی و ارزیابی خود پیرامون ارتش در این دوره، بیان می‌کند: «به‌طور کلی قشون ایران بایستی ورزیده گردیده و تجربه بیشتری حاصل نماید.»<sup>۱۹</sup> البته درستی این نظر رزم‌آرا، بعدها در شهریور ۱۳۳۰ نیز اثبات شد و آن ارتشی که آن همه تبلیغات پیرامون آن بود، به یک‌باره فروریخت. حرف آخر آن که کتاب «عملیات اورامان»، با وجود کاستی‌هایی که دارد، می‌تواند منبع قابل استنادی برای پژوهشگران تاریخ معاصر در حوزه‌ی کرمانشاهان و کردستان باشد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱- اورامان منطقه‌ای است در شمال غربی استان کرمانشاه و از شمال شرق به مریوان و از شرق به استان کردستان، از جنوب به اسلام‌آباد غرب و قصر شیرین، از غرب به کشور عراق محدود است. مرکز آن شهر پاره است. از مهم‌ترین شهرستان‌ها و دهستان‌های آن می‌توان به ازگله، باینگان، باشوکی، جیگران، حومه، خانه‌شور، دولت‌آباد، ده‌توتی، روانسر، سرقلعه، شالی‌آباد، کولسه، منصورآقایی، نوسود، یاری و... اشاره کرد. (رک: سلطانی، محمدعلی؛ جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان؛ ج ۱، تهران: سپهر، ۱۳۷۴، ص ۲) و همچنین رک: لغت‌نامه‌ی دهخدا، مدخل اورامان. در ارائه‌ی معنی کلمه‌ی اورامان نظریات متنوع وجود دارد؛ اما می‌توان به نظر ملازاهد ضیایی که بیش از دیگران به واقعیت نزدیک است، اشاره کرد که: «لفظ هورامان» نوشتن آن کلمه به اورامان اشتباه است، زیرا اصلاً این واژه به زبان محلی خود «هورامان»، یعنی بلندشده و برآمده است، چون اطراف این منطقه از هر طرف چه ژاورود و چه جوانرود و چه شهرزور و چه مریوان همه از لحاظ موقعیت اقلیمی پست‌تر می‌باشد. پس از این برآمده است «هورامان» دیگر نوشتن آن به لفظ اورامان اشتباهی است و اشتباه‌تر آن که آن را با «ات» جمع مونث عربی، جمع می‌پندند.» (همان؛ سلطانی؛ صص ۵۱ و ۵۲)

۲- اسماعیل آقا شکاک معروف به سمکو، پسر محمدآقا و برادر کوچک جعفرآقای کرد از طایفه‌ی شکاک، که پس از کشته شدن برادرش جعفرآقا به ریاست ایل شکاک رسید. وی سال‌ها زحمت و خسارات جانی و مالی فراوان به ایران و به‌ویژه صفحات غربی کشور وارد آورد، در مدت یاغی‌گری خود با دول همسایه و غیرهمسایه (روس، انگلیس، عثمانی و آلمان) ارتباط نزدیک داشت و آن‌ها هر یک به‌نوبه‌ی خود او را تقویت می‌کردند. سرانجام نظامیان دولتی به فرماندهی سپهبد امان‌اله میرزای جهانبانی، در دوره‌ی وزارت جنگ رضاخان سردارسپه موفق شدند چهریق، مقر فرماندهی وی را، در بیستم مرداد (۱۳۰۱) به تصرف درآورند. سمکو به خاک ترکیه متواری شد و در سال ۱۳۰۷ از دولت ایران تأمین خواست و به ایران برگشت، لکن در سی‌ام تیرماه ۱۳۰۹ به دست قوای دولتی کشته شد. (رک: بامداد، مهدی؛ شرح حال رجال ایران؛ ج ۱، تهران: زواره، ۱۳۷۸، ص ۵، صص ۱۳۶ و ۱۳۷)